

نقش تربیتی والدین در جذب فرزندان به مسجد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

کد مقاله: ۷۱۸۹۳

نرگس پورطالب^{۱*}، رحیم بدری گرگری^۲

چکیده

مساجد مهم‌ترین مرکز دینی و آموزشی و کانون عبادت، نیایش و تربیت دینی هستند که در جامعه کارکردهای مهمی دارند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای مساجد در دنیای پیچیده امروز، نقش آن‌ها در تربیت دینی کودکان و نوجوانان است. مساجد می‌توانند شخصیت افراد را براساس آموزه‌های دینی بارور ساخته و به عدالت خواهی و خداجویی در وجود انسان‌ها عمق ببخشند و تاثیر آسیب‌های اجتماعی را در زندگی افراد به حداقل برسانند. بنابراین شایسته است که والدین از همان اوان کودکی فرزندان خود را به انس با مسجد سوق دهند. نویسندگان در این مقاله سعی کرده‌اند با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و منابع دست اول، به شکل مروری بر اهمیت مساجد و نقش بی‌بدیل آن‌ها در تربیت، نظریه‌های انگیزشی مرتبط و نقش والدین در جذب فرزندانشان به مساجد اشاره نمایند. تا بدین ترتیب اطلاعات عینی‌تر و کاربردی‌تر به مخاطبان ارائه شود. مطالب ارائه شده در این مقاله می‌تواند ایده‌های پژوهشی را در این راستا برای پژوهشگران فراهم نماید.

واژگان کلیدی: مسجد، تربیت دینی، کودک و نوجوان، والدین.

۱- دانش‌آموخته دکتری تخصصی روانشناسی، استاد مدعو گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه رشديه، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
pourtalebn@gmail.com

۲- دکتری تخصصی روانشناسی، استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۱- مقدمه

مسجد مهم ترین مرکز و کانون عبادت، نیایش و تربیت دینی است. مسجد دارای نقش ها و کارکردهای گوناگونی در جامعه است. همه اقشار جامعه، اعم از فقیر، غنی، صاحبان امتیاز و مناصب در مسجد، امتیازات خود را کنار می گذارند و در کنار هم به عبادت می پردازند و تنها امتیاز آنها داشتن تقواست. بنابراین مساجد از عوامل تأثیرگذار در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه های مختلف آموزشی، تربیتی و فرهنگی هستند (جهانبخش و همکاران، ۱۳۹۵). به جرات می توان گفت، مساجد عالی ترین تجلی-گاه کسب علوم و فضایل هستند که جایگاه مهمی در رشد و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی داشته و دارند و تا قبل از تشکیل مدارس و دانشگاه‌ها افراد از کانال مساجد به آموزش و یادگیری می‌پرداختند (هاشمی و هاشمی، ۱۳۹۷).

علاوه بر دین داری، آموزش و یادگیری، مساجد می‌توانند در الگوی بومی توسعه فرهنگی-اجتماعی در سطح محله و حتی شهرها موثر و کارآمد شوند و در محوریت چنین توسعه‌ای قرار بگیرند. به طوری که مساجد با افزایش وحدت و همبستگی محله‌ای، زمینه سازی جهت افزایش تعاون و مشارکت محله‌ای و تقویت هویت و تعلق محله‌ای نقش چشمگیری در توسعه فرهنگی-اجتماعی محله‌ها دارند. این در حالیست که الگوی توسعه فرهنگی غربی نمی‌تواند در رفع نیازهای جامعه ما موفق باشد و چه بسا آسیب‌زااست. لذا ما باید پایه و اساس را بر فرهنگ و ارزش‌های بومی و محلی خود قرار دهیم و از این طریق به توسعه دست یابیم که طی این طریق با پررنگ شدن نقش مساجد آسان‌تر خواهد شد (مه‌دوی کنی، امینی هرندی، ۱۳۹۶). زیرا مساجد محور حیاتی مداخله در فرهنگ هستند و در الگوی فرهنگی اسلام، قلب و مرکز محله، شهر و حکومت هستند؛ که ضمن برقراری ارتباط فیزیکی با دیگر ارکان شهر، ارتباط تنگاتنگی با ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهر دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

مساجد با هویت اصلی خود در رفع بسیاری از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی اعم از انزوایابی، مشکلات خانوادگی، عدم تعلق، عدم مشارکت و بی‌هویتی نیز موثرند. این تأثیرگذاری منوط به پویایی مسجد یعنی آمد و شد افراد موثر در آن است (مه‌دوی کنی، امینی هرندی، ۱۳۹۶). مبتنی بر این مساجد به عنوان یک نهاد دینی پویا در جهت حفظ اعتقادات دینی، مذهبی و اجتماعی شدن افراد نقش بسزایی ایفا می‌کنند. حضور در مساجد نه تنها برای افزایش کمالات انسانی و معرفت دینی نقش بسیاری دارد، بلکه ضامن مصونیت و حفظ جامعه در برابر اهریمنان است. تحقیقات نشان می‌دهد که مساجد بر ایجاد امنیت اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی و کنترل درونی افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند (مروجی، ۱۳۹۱؛ نقل از جهانبخش و همکاران، ۱۳۹۵).

مساجد همچنین در تقویت هوش معنوی، تجارب معنوی و گرایش‌های مذهبی افراد نقش اساسی دارند. به طوری که تحقیقات نشان می‌دهند دانشجویانی که به مسجد آمد و شد دارند، هوش معنوی و تجارب معنوی بالاتری نسبت به گروه کنترلشان دارند. همچنین جهت‌گیری مذهبی در آنان بسیار پررنگ‌تر است؛ که پایداری آنان به امور مذهبی را تضمین می‌کند (تقوی و اسدی، ۱۳۹۷). بنابراین شایسته است فرزندندانمان از همان اوان کودکی با این مکان‌ها آشنا شوند و به آن‌ها خو بگیرند. زیرا لازمه حضور در مسجد و قرارگیری در وضعیتی که طی آن انسان عملکرد خود را در جهت خودسازی و تربیت و تعالی خویش قرار دهد، نیازمند بستری مناسب از دوران کودکی است (جهانبخش و همکاران، ۱۳۹۵). اما امروزه مساجد عموماً جایگاه اصیل خود را از دست داده‌اند؛ به گونه‌ای که کارکردهای آن‌ها محدود شده، پاسخگوی نیازهای مردم نیست و به تبع، حضور کودکان و نوجوانان در مساجد کم رونق شده است. این در حالی است که براساس الگوی اصیل اسلامی، مسجد پس از خانواده، اولین و مبنایی‌ترین نهاد تربیتی و اجتماعی سازی کودک است؛ برای اینکه این مهم به بهترین شکل تحقق یابد، باید تمامی عوامل اثرگذار بر تعامل مطلوب کودک و نوجوان با مسجد نقش خود را به خوبی ایفا کنند؛ از مشارکت حداکثری مردمی گرفته تا ایفای نقش مسئولانه نهادها و سازمان‌های عمومی جامعه در قبال مسجد؛ همچنین، خدمت اقتضایی و مداخله نیمه‌متمرکز حاکمیت در امر مسجد (سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان، ۱۳۹۷).

در این میان نقش والدین می‌تواند مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در جذب کودکان و نوجوانان به مساجد باشد. در این مجال سعی کرده‌ایم تا ضمن پرداختن به مباحث نظری و پیشینه مطالعاتی موضوع، اهمیت نقش تربیتی والدین را در جذب کودکان به مسجد مورد بررسی قرار دهیم و برای سهولت این امر مبتنی بر نظریه‌های انگیزشی مرتبط، راهکارهایی ارائه نماییم.

۲- نقش مسجد در تربیت

اگر چه خانواده و مدرسه در تربیت انسان‌ها مهم‌ترین مراجع تأثیرگذار هستند، اما نباید از نقش تربیتی مساجد بالاخص در تربیت دینی غافل شد. چرا که یکی از اصلی‌ترین کارکردهای مسجد از دوران صدر اسلام و تمدن درخشان اسلامی اهتمام به تعلیم و تربیت مردم بوده است (سبحانی و لطیفی، ۱۳۹۸). زیرا افراد با حضور در مساجد با فضایل و رذایل اخلاقی و راه‌های متجلی ساختن فضایل اخلاقی آشنا می‌شوند و این نقش مهمی در رشد اخلاق فردی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند. زمانی که ارتباطات و تعاملات افراد بر مبنای اخلاق اسلامی صورت می‌گیرد، علاوه بر ایجاد صمیمیت و همدلی بین افراد، از بروز بسیاری از تنش‌ها و برخوردهای اجتماعی جلوگیری می‌شود. مساجد همچنین با ایجاد زمینه برای آشنایی و برقراری پیوند بین افراد عادی با نخبگان و صالحان جامعه بستر مناسبی را برای پرورش روانی و اجتماعی افراد و ایجاد انگیزه در آنان فراهم می‌کنند. به علاوه افراد در مساجد با شرکت در برنامه‌های جمعی به لحاظ مسئولیت‌پذیری و انجام کارهای گروهی رشد می‌کنند و خلاقیت‌ها و استعدادها نهفته-شان شکوفا می‌گردند (مه‌دوی کنی، امینی هرندی، ۱۳۹۶).

۲-۱- نقش مسجد در شکل دهی رفتارهای مثبت

با حضور در مسجد بسیاری از رفتارهای مطلوب متجلی می‌شود (مجاهد، نصیریانی، هاشمیان، لطفی، اسلامی، ۱۳۹۳). به طوری که افراد با شرکت در مناسک و آیین‌های مذهبی جمعی به هویت جمعی خود سامان می‌دهند. به علاوه مسجد مکانی است که احساس تعلق و احساس درونی انسان‌ها را به خود جذب می‌کند و تعلق شناختی (درونی شدن شناخت فرد از خودش) را قوت می‌بخشد. زیرا هرگاه فردی وارد مکان خاصی می‌شود، به طور ناخودآگاه شناخت از خود را با ویژگی‌های آن مکان پیوند می‌زند. مبتنی بر این با حضور در مسجد ویژگی‌های مثبت را در خود درونی می‌سازد. علاوه بر این مسجد نقش پررنگی در رفتارهای صحیح دوست‌یابی و معاشرت فرزندان که از جمله دغدغه‌های والدین امروزی است، دارد. حضور در مسجد برای نماز یا هر فعالیت دیگری زمینه برقراری ارتباط صحیح و پیدا کردن دوستان هم‌شان را فراهم می‌کند. گذشته از این موارد، والدین معمولاً در عادت دادن فرزندان‌شان به نماز خواندن مخصوصاً در سنین نوجوانی با دشواری‌هایی مواجه هستند؛ که این مهم نیز با حضور در مسجد به سهولت اتفاق می‌افتد. زیرا حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت انجام فریضه نماز را برای کودکان و نوجوانان جذاب و خوشایند می‌سازد و تمایل آن‌ها را برای نماز افزایش می‌دهد. در کل می‌توان گفت اغلب نیازهای معنوی انسان از جمله نیاز به ارتباط با خدا، آرامش یافتن، حرمت طلبی، هویت یابی، معنایابی، دوست‌یابی، انس با هم‌نوعان، معرفت و آگاهی در بستر مسجد ارضا می‌شوند (حمیدیان، بی‌تا).

۲-۲- عوامل موثر در جذب فرزندان به مسجد

عوامل متعددی می‌تواند در فرایند علاقمندسازی فرزندان به مسجد نقش ایفا نمایند که از آن جمله می‌توان به شرایط خوشایند محیطی و موقعیت مسجد، دوستی با کودک و نوجوان و تعامل مثبت با او، احترام و تواضع، درک موقعیت سنی نوجوان و ویژگی‌های مرحله رشدی، فضای مناسب و ظاهر آراسته متصدیان مسجد، اخلاق و رفتار نمازگزاران در ارتباط با کودکان و نوجوانان، حضور دوستان و همسالان و از همه مهم‌تر نقش تربیتی والدین اشاره کرد (مجاهد، نصیریانی، هاشمیان، لطفی، اسلامی، ۱۳۹۳).

۲-۳- نقش تربیتی والدین در جذب فرزندان به مسجد

پیوند یک زوج، زمینه تشکیل یک خانواده را فراهم می‌کند و در ادامه زندگی نقش جدید والدگری را بر نقش‌های قبلی آن‌ها می‌افزاید. هر یک از اعضای خانواده، تحت تأثیر کیفیت و ماهیت روابط پدر و مادر و والدگری آن‌ها قرار می‌گیرند. زیرا کیفیت و منزلت روابط همسران نظام خانواده را تحت سلطه خود قرار می‌دهد و به دنبال ازدواج موفق، امکان تحقق بخشیدن به ابعاد گوناگون شخصیت فرزندان با رعایت شرایط صحیح فرزندپروری فراهم می‌آید. لذا اولین گام در تربیت صحیح فرزندان توجه در امر ازدواج است. بعد از ازدواج و در اولین سال‌های زندگی تجارب کودکان از جهان خارج تقریباً به طور کامل از طریق والدین صورت می‌پذیرد (نیک نژادی، گلستانی، احمدی، ۱۳۸۶). زیرا کودک انسان وقتی قدم به این جهان می‌گذارد، همانند غنچه ناشکفته‌ای است که والدین آن را پرورش داده و بارور می‌سازند (نکویی، ۱۳۹۵). در بستر خانواده کودک ابتدا درباره دنیای بیرونی، روابط با دیگران، زندگی اجتماعی، رفتارها و اعمال فردی، اجتماعی و مذهبی نکاتی را می‌آموزد (نیک نژادی، گلستانی، احمدی، ۱۳۸۶). بررسی روایات و احادیث از زندگی بزرگان نیز حاکی از اهمیت نقش والدین در جذب فرزندان به مساجد است. امام صادق (ع) در این راستا فرموده‌اند: "در طواف کعبه، کودکان خود را همراه ببرید و در سنگ زدن بر سر شیطان از آنان نیابت کنید" (کلینی، ۱۳۶۳؛ نقل از دهقان، ۱۳۹۴). البته علاقمندسازی کودکان به مساجد باید از سرشوق و اشتیاق صورت بگیرد نه با اجبار (آقامحمدی، ۱۳۹۲؛ دهقان، ۱۳۹۴). پژوهش‌ها نیز حاکی از این مهم است. به طوری که آقامحمدی، قاسمی و اسدی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود، نقش مهم و بی‌بدیل والدین را در هدایت و جذب فرزندان به فریضه نماز مورد تأیید قرار داده‌اند. مبتنی بر نظر کانت (۲۰۰۰؛ نقل از نیک نژادی، گلستانی، احمدی، ۱۳۸۶) والدین حتی بر روی نگرش‌های فرزندان، شکل‌گیری اعتقادات و رفتارهای آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. این انتقال از طریق یادگیری مشاهده‌ای اتفاق می‌افتد. یعنی کودکان از طریق مشاهده اعمال و رفتارهای والدینشان نگرش‌ها و اعتقادات آن‌ها را درونی می‌کنند.

برای علاقمند ساختن کودکان و نوجوانان به مساجد باید به چند اصل اساسی مرتبط با تربیت دینی کودکان توجه شود:

- اصل زمینه سازی و آموزش تدریجی: تربیت دینی فرایندی تدریجی و چند مرحله‌ای است که باید متناسب با طبیعت کودکان و مراحل رشدی آن‌ها صورت گیرد. مبتنی بر این والدین باید خود را به شرایط روحی کودکان‌شان نزدیک سازند و از این طریق زمینه را برای علاقمندی آنان فراهم سازند.
- اصل فطری بودن یا طبیعی بودن مسایل دینی: نیاز به پرستش و میل به نیایش در عمق وجود هر انسانی نهادینه است و اگر در مسیر صحیح قرار گیرد به خداپرستی ختم می‌شود. اگر والدین فرزندان خود را در فضاهای معنوی از جمله مسجد با خود همراه سازند، وقایع خوشایندی را برای آن‌ها فراهم سازند، می‌توانند به پرورش این فطرت پاک کمک نمایند.

- اصل اختیاری بودن مسایل دینی: در دوران کودکی توجه به استقلال و اختیار کودکان و دادن حق انتخاب به آن‌ها در انتخاب مکان و زمان حضور بسیار مهم است (دهقان، ۱۳۹۴).
- اصل مشاهده و الگوبرداری: والدین مهم‌ترین الگوی تربیتی فرزندانشان هستند. الگو بودن والدین از طریق پایبندی آگاهانه، عالمانه و مخلصانه والدین، مقبولیت و محبوبیت والدین در نزد کودکان، هماهنگی رفتار والدین، تداوم و استمرار رفتار آن‌ها تقویت می‌شود (داوودی، ۱۳۹۲).

۲-۴- نظریه های انگیزشی مرتبط

الف- نظریه خودمختاری / خودتعیین گری دسی و ریان: نظریه فوق این نکته را مسلم فرض می‌کند که انسان‌ها نیاز به خودمختار بودن دارند و به این دلیل در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند که خودشان چنین می‌خواهند. دسی و ریان (۱۹۸۵، ۱۹۹۱؛ نقل از پینتریچ و شانک، ۱۳۹۰) خودمختاری را از اراده متمایز کرده‌اند. طبق تعریف آن‌ها «اراده ظرفیت انسان است در انتخاب اینکه چگونه نیازهایشان را ارضا کنند.» و «خودمختاری فرایند مورد استفاده قرار دادن اراده است و مستلزم این است که افراد نقاط قوت و محدودیت‌های خود را بپذیرند، از تاثیر نیروهای محیطی بر خودشان آگاه باشند، انتخاب‌هایی را انجام داده و راه‌های ارضای نیازهایشان را تعیین کنند.» مبتنی بر این نظریه افراد سه نیاز روانشناختی ذاتی دارند که زیربنای رفتارهایشان را تشکیل می‌دهند. این نیازها شامل نیاز به شایستگی، خودمختاری و بستگی (ارتباط داشتن) است. افراد نیاز دارند که در تعاملات خود با دیگران، با تکالیف و فعالیت‌ها و با زمینه‌های بزرگتر احساس شایستگی کنند. نیاز به خودمختاری به نیاز برای ادراک احساس کنترل، عامل بودن یا خودمختاری در تعاملات با محیط اشاره دارد. نیاز بستگی نیز به نیاز موجود انسانی برای تعلق به یک گروه اشاره دارد و نیاز به تعلق نیز نامیده می‌شود. انگیزش درونی برای انجام یک فعالیت نیز «همان نیاز انسان برای شایستگی و خودمختار بودن در ارتباط با محیط است، که به اراده افراد برای انجام کار نیرو می‌بخشد.» این نظریه سعی دارد تا گستره‌ای از همه رفتارهای انسان را تحت پوشش قرار دهد.

تحقیقات مبتنی بر نظریه خودمختاری، نشان می‌دهند، خصوصیات محیطی و بافتی می‌توانند انگیزش درونی را تقویت یا کم-رنگ نمایند. به طوری که داشتن حق انتخاب و بازخورد مثبت در ارتباط با شایستگی و خودمختاری اثر تقویتی دارد؛ اما ارزشیابی و نظارت مستمر علاقه و انگیزش درونی را کاهش می‌دهد. همچنین پاداش‌ها هم اگر به عملکرد واقعی و پیشرفت فرد مرتبط باشند، اطلاعاتی را درباره کارآمدی یا مهارت فرد منتقل می‌کنند. با دریافت این اطلاعات فرد احساس کارآمدی کرده و خودمختاری را تجربه می‌کند، وضعیت انگیزشی بهتری را تجربه می‌کنند. بنابراین اگر به نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان در مساجد و توسط والدین و اولیا مساجد پرداخته شود، به آنان حق انتخاب در محل یا برنامه‌ها داده شود، پاداش‌های مناسب و بازخوردهای دقیق ارائه شود، انگیزش آنان جهت حضور در مساجد و انجام فعالیت‌های معنوی و فرهنگی برانگیخته می‌شود.

ب- مدل انتظار-ارزش اکلز و ویگفیلد: این نظریه مدلی شناختی-اجتماعی است که به نقش انتظارات افراد از موفقیت و ارزشی که برای تکلیف قائلند، توجه دارد و برگرفته از دیدگاه اندام‌واره‌ای عمومی مبتنی بر روانشناسی شخصیت، اجتماعی و رشد است. در این مدل منظور از سازه انتظار، پاسخ به این سوال است که آیا می‌توانم این تکلیف را انجام دهم؟ یعنی باور فرد درباره میزان توانایی خود. منظور از ارزش تکلیف هم، گرایش و تمایل پایدار فرد برای انجام کار مد نظر هست که خود از چهار مولفه‌ی ارزش فعالیت (اهمیت انجام آن فعالیت)، ارزش درونی (لذت انجام آن فعالیت)، ارزش کاربردی (مفید بودن آن فعالیت)، هزینه‌های مرتبط با پرداختن به آن فعالیت تشکیل شده است. در این مدل اهداف و خودطرحواره‌ها و حافظه‌های هیجانی هم مولفه‌های انگیزشی دیگر هستند. حافظه هیجانی به تجارب هیجانی قبلی فرد در مورد فعالیت اشاره دارد. این حافظه می‌تواند با تصور پرداختن به فعالیت فعال شود و از طریق ساز و کار شرطی‌سازی کلاسیک یا تداعی مستقیم، منجر به این شود که فرد برای آن فعالیت خاص ارزش مثبت یا منفی قائل شود. مثلاً اگر تجربه اولیه کودکی از حضور در مسجد بد یا خجالت آور باشد، این حافظه هیجانی ممکن است شرطی شود، به نحوی که بار بعد که فرصت حضور در مسجد پیش می‌آید، شخص همین هیجانات منفی را فعال کند و ارزش کمتری برای حضور در مسجد قائل شود. این امر می‌تواند منجر به اجتناب از مسجد شود و حتی به سایر فعالیت‌های معنوی نیز تعمیم یابد.

خودطرحواره‌ها منعکس کننده باورها و خودپنداره فرد درباره خودش هستند. مبنی بر اینکه چطور آدمی هست یا می‌تواند بشود (خودهای ممکن / ایده‌آل). مانند باورهایی درباره جذابیت جسمانی، توانایی‌اش در حوزه‌های مختلف و یا شایستگی اجتماعی. اهداف هم شامل اهداف کوتاه‌مدت و بلند مدت فرد هستند که نمایه شناختی آن چیزهایی هستند که شخص دارد یا برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند یا سعی می‌کند کسب کند. اهداف می‌توانند براساس خودطرحواره‌ها و خودپنداره‌ها شکل بگیرند. ادراک الزام تکلیف/فعالیت مولفه دیگری در این مدل است که شامل قضاوت فرد درباره دشواری آن فعالیت و سایر ویژگی‌های آن است. در این مدل باورهای انگیزشی فرد تحت تاثیر چگونگی ادراک افراد از باورهای مختلف اجتماعی کنندگان (والدین، معلمان، اولیا مساجد، همسالان) و همچنین چگونگی ادراک و تفسیر نقش‌های اجتماعی مثل نقش جستی تصوراتی قالبی مربوط به فعالیت‌های مختلف توسط اوست. با استناد بر این باورهای فرد درباره خود، انتظارات و ارزش‌های او تحت تاثیر نحوه ادراک محیط

اجتماعی توسط او و اینکه هنگام حضور در این محیط چه اتفاقاتی برایش پیش می‌آید، قرار دارد. یعنی تأثیر اجتماعی کنندگان همیشه مستقیم نیست بلکه این جنبه محیط اجتماعی توسط ادراک کودک از محیط اجتماعی تعدیل می‌شود. سازه عمومی دیگر تأثیرگذار بر باورهای انگیزشی فرد در این مدل، فرهنگ اجتماعی است. یعنی فضایی که فرد را طی پرداختن به فعالیت‌های مختلف مذهبی یا غیر مذهبی با موقعیت‌های مختلفی روبرو می‌کند. این فضا می‌تواند فرصت‌هایی را برای باورها و رفتارهای فرد فراهم کند یا آن‌ها را محدود سازد (پیترچ، ۱۳۹۰). مبتنی بر این مدل باید به کودکان و نوجوانان کمک شود تا انتظارات و ادراک شایستگی دقیق و بالایی برای انجام تکالیف مذهبی به دست آورند. این کار از طریق ارائه بازخوردهای مثبت واقعی، تسهیل نمودن تکلیف متناسب با توانایی فرد، بالا بردن اهمیت و ارزش فعلیتی که انجام می‌دهند و الگو بودن در این طریق و ایجاد فرصت برای انتخاب و کنترل داشتن بر امور امکان‌پذیر می‌شود.

ج- مدل کنترل ارزش پکران: پکران (۱۹۹۲، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹) مدلی شناختی اجتماعی را بنا نهاده است، که مبتنی بر سنت انتظار - ارزش است. او این نظریه خود را نظریه کنترل - ارزش می‌نامد. او مفهوم کنترل را در نظریه خود به کار می‌برد. منظور او از این سازه ارزیابی‌هایی است که فرد از روابط علت و معلولی میان اعمال و کنش‌های خود و پیامدها و نتایج در موقعیت‌های پیشرفت دارد. در واقع ایده ارزیابی در این مدل حالت بنیادی و اساسی دارد. او معتقد است که ارزیابی‌های افراد از اعمالشان، این احتمال که ارزیابی عمل و کنش فرد پیامدهای مشخصی را فراهم خواهد آورد و ارزیابی فرد از ارزش‌های اعمال و پیامدهای آن هر دو از تعیین کننده‌های بنیادی و اساسی انگیزش محسوب می‌شوند. او همچنین به ارتباط دادن بین عقاید و باورهای کنترل، ارزش و انگیزش علاقه بیشتری دارد. پکران، بین سه نوع باور انتظار که باورهای کنترل عمده مدل او را تشکیل می‌دهند، تمایز می‌گذارد. **انتظارهای موقعیت - پیامد** انتظارهایی هستند که موقعیت پیامد را فراهم می‌کند، وقتی این باور فرد شکل بگیرد، عمل فرد ضرورتی ندارد. **انتظارهای عمل - پیامد** به باورهای فرد در باره این که پیامدها ناشی از اعمال خود فرد است، اشاره دارد. **انتظارهای عمل - کنترل** به باور فرد مربوط است مبنی بر این که آیا او عمل مشخصی را می‌تواند انجام دهد. پکران اصطلاح کنترل عمل را ترجیح می‌دهد؛ زیرا آن مستقیماً به باور فرد درباره کنترل موقعیت آمیز عملش مربوط است. مبتنی بر این اگر افراد در رفتارهای مذهبی خود به انتظار عمل - کنترل برسند، انگیزش لازم برای انجام آن رفتارها را خواهند داشت. با استناد به مبانی نظری و تجربی که به آن‌ها پرداخته شد، در ادامه به چند راهکار کلیدی برای جذب کودکان و نوجوانان به مساجد اشاره می‌شود.

۳- راهکارهای پیشنهادی

۳-۱- راهکارهای پیشنهادی به والدین برای جذب فرزندان به مسجد

- ۱- **انتخاب همسر شایسته:** از آنجا که ویژگی‌های والدین در تکوین شخصیت کودک نقش اساسی دارند، لذا هنگام ازدواج باید به فضیلت‌های اخلاقی همسر مورد نظر توجه شود (کميجانی و فریادرس، ۱۳۹۴).
- ۲- **والدین الگوی تمام‌نمای فرزندان:** الگوپذیری کودک از گزینه تقلید سرچشمه می‌گیرد و قسمت عمده یادگیری - های انسان از رهگذر مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. بنابراین اگر والدین حضور در مسجد را در برنامه زندگی خود داشته باشند، فرزندان مبتنی بر علایق خود به والدینشان، آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند رفتارشان را با رفتار والدین انطباق دهند (کميجانی و فریادرس، ۱۳۹۴). نتایج تحقیقات میدانی نشان می‌دهد والدینی که در مراسم‌های دینی حضور فعال دارند، فرزندان آن‌ها نیز دقیقاً آن اعمال را انجام می‌دهند (آقامحمدی، قاسمی، اسدی، ۱۳۸۹؛ آقامحمدی، ۱۳۹۲).
- ۳- **تجدید نظر در ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی خود:** والدین باید در نگرش مذهبی خود تجدید نظر نمایند، زیرا داشتن دیدی مثبت یا منفی در مورد مذهب و اعمال مذهبی بر ذهنیت فرزندان تأثیر مثبت یا منفی بر جای می‌گذارد (آقامحمدی، ۱۳۹۲). به علاوه ارزش‌های والدین نیز در کودکان درونی می‌شود. بنابراین تا زمانی که امور مادی و دنیوی در صدر ارزش‌های والدین قرار دارند، داشتن این انتظار از فرزندان که به امور مذهبی اهمیت دهند، انتظاری غیرواقع بینانه است. از این رو والدین باید در ارزش‌گذاری‌های خود و باورهایشان نسبت به حضور در مسجد تغییراتی ایجاد نمایند.
- ۴- **همراه کردن کودکان با خود در مسجد و محافل مذهبی:** حضور کودکان در اماکن و برنامه‌های مذهبی به ویژه نماز جماعت، مخصوصاً اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مساجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. باید به این مسئله توجه کرد که میزان علاقمندی کودک به این مکان‌های مقدس نیز با میزان مشارکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط‌ها رابطه مستقیمی دارد (باهنر، ۱۳۸۷؛ نقل از کميجانی و فریادرس، ۱۳۹۴). افزون بر موارد فوق، حضور فرزندان همراه والدین در مساجد برای مراسم عزاداری، سینه‌زنی و زنجیرزنی، جشن‌ها و اعیاد و هیأت‌های مذهبی مشوق حضور در مساجد خواهد بود. زیرا این برنامه‌های هیجان انگیز با ماهیت هیجانی کودکان و نوجوانان سازگار است و علاقمندی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

۵- **حضور در کانون‌های فرهنگی و آموزشی در مساجد:** والدین برای علاقمند ساختن فرزندانشان به مساجد می‌توانند از کلاس‌های آموزشی که در مساجد برگزار می‌شود، استفاده کنند. البته با توجه به شرایط فعلی بهتر است والدین با مسئولان مساجد در خصوص نحوه برگزاری کلاس‌های آموزشی همکاری کنند و از متخصصان امر کمک بگیرند تا شرایط برای جذب فرزندانشان به مساجد فراهم شود. البته در این جریان باید به روحیه استقلال طلبی نوجوانان توجه شود. قدرت استدلال و درک و فهم آنان به رسمیت شناخته شود و با گفتگویی صمیمانه به انتقادهای آنان پاسخ مستدل داده شود (داوودی، ۱۳۹۲).

۶- **همکاری با مدرسه برای برگزاری بعضی مراسم‌ها در مسجد:** هماهنگی و همکاری والدین با مدرسه برای برگزاری اردوهای تفریحی و آموزشی در بستر مساجد، یا برگزاری مراسم تجلیل از دانش‌آموزان در مدارس که طی آن دانش‌آموزان جوایز خود را از دست امام جماعت مسجد یا مدیر مدرسه دریافت کنند، در جذب آنان به مساجد راهگشا خواهد بود. زیرا نقش آموزش و پرورش در استفاده از ظرفیت تربیتی مساجد بسیار تعیین کننده است (شریف‌فرد، رازینی، عباسی‌نوذری، ۱۳۹۹).

۷- **شکل دهی رفتار با تشویق:** آموزش مفاهیم و رفتارهای دینی به کودکان با استفاده از روش‌های شکل دهی رفتار و تشویق بسیار مؤثر است. مقصود از تشویق پاسخ مثبت و خوشایند در برابر رفتار مطلوب است. مانند ابراز محبت به کودک در محیط مسجد، واگذاری مسئولیت مناسب به او در فعالیت‌های مذهبی و دادن وعده پاداش و

البته برای این که تشویق و پاداش مؤثر واقع شود باید به چند اصل مهم توجه شود؛ تشویق باید:

- به موقع و بلافاصله بعد از رفتار مطلوب ارایه شود.
 - متمرکز بر رفتار باشد، نه بر خود کودک.
 - هم وزن رفتار باشد و رفتار را کم اهمیت جلوه ندهد یا اغراق نمایی نکند.
 - اقدام به رفتار مطلوب نیز تشویق و تقویت گردد.
 - تشویق‌های کلامی و فعالیتی بهتر است در جمع افراد انجام شود، چون در این شرایط اثربخشی بیشتری خواهند داشت.
- علاوه بر تشویق مستقیم خود کودک، تشویق جانشینی نیز می‌تواند مؤثر باشد. یعنی دیدن یا شنیدن تشویق شدن دیگران می‌تواند کودکان را به انجام رفتار مد نظر علاقمند سازد.

۸- **استفاده از قصه و داستان‌سرایی:** کودکان علاقه وافری به شنیدن قصه دارند و با هیجان زیادی به قصه گوش می‌دهند و اغلب با شخصیت‌های قصه همانند سازی می‌کنند. لذا والدین با انتخاب قصه مناسب و مبتنی بر هدف می‌توانند در علاقمندساختن کودکان نقش موثری ایفا کنند.

۹- **تهیه فیلم‌های مناسب و مرتبط:** فیلم به عنوان محصول تمدن جدید در آموزش نقش مؤثری دارد. فیلم همان کارکرد داستان را دارد و به کسانی که نتوانسته‌اند زندگی واقعی‌الگویی را مستقیم مشاهده کنند، این امکان را می‌دهد که از شرایط مطلع شوند. با توجه به پتانسیل دیداری و شنیداری، فیلم از داستان تأثیرگذارتر است (داوودی، ۱۳۹۲).

۱۰- **دادن نذری در مساجد:** از آنجا که دادن نذری باعث تقویت حس همنوع‌دوستی می‌شود، برگزاری چنین مراسمی در مساجد توسط والدین و دادن برخی از مسئولیت‌های آن به کودکان و نوجوانان، زمینه را برای ارتباط آنان با همسالانشان و تقویت حضور در مسجد فراهم می‌کند.

۳-۲- راهکارهای پیشنهادی به مسئولین مساجد برای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد

۱- مجهز کردن مساجد به کتابخانه، سالن مطالعه، کلاس‌های هنری و مهارتی، بانک سوالات کنکور و ... در علاقمند سازی افراد به حضور در مسجد کمک کننده است.

۲- چیدمان زیبای فضای مسجد دیگر عاملی است که در جذب افراد به مسجد مخصوصاً کودکان و نوجوانان نقش اساسی دارد. از این رو بهتر است در ساخت مساجد به معماری آن‌ها توجه شود. تحقیقات نشان می‌دهد، ویژگی‌های معماری هر حوزه از مسجد، منجر به پدید آمدن معنایی متفاوت در ذهن هریک از گروه‌های استفاده کننده از مسجد و در نتیجه بروز رفتارهای متفاوت می‌شود (صالحی نیا، شاهمرادی، ۱۳۹۶). البته این مکان در کنار معماری اسلامی مناسب، باید پاکیزه و آراسته به فرش‌ها و سجاده‌های زیبا و تمیز گردد. داشتن فضای سبز و گلکاری نیز این فضا را بسیار جذاب خواهد ساخت.

۳- برخورد مناسب از سوی امام جماعت و هیأت امنای مسجد و داشتن باور راستین از سوی آنان، استقبال آنان از برنامه‌های پیشنهادی جوانان و دادن پاسخ‌های منطقی به سوالات آنان در افزایش انگیزش افراد برای حضور در مسجد مؤثر است.

۴- برگزاری برنامه‌های بازدید توسط مساجد زمینه دور هم آمدن نوجوانان و جوانان و افزایش همدلی و تقویت روحیه تعاون در آنان را فراهم می‌کند. مبتنی بر این بهتر است مساجد برنامه‌هایی برای بازدید از مکان‌های خاص و افراد خاص را در ایام خاص تدارک ببینند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

مسجد مأمی امن و مکانی مقدس برای پرورش یک انسان از ابعاد مختلف است؛ که در این میان نقش اساسی در پرورش دینی و تربیت دینی افراد ایفا می‌کند و زمینه را برای گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم می‌کند. این مکان مقدس با زمینه‌سازی برای تعامل افراد موجب رشد اجتماعی و اخلاقی شده و زمینه‌ساز افزایش تعاون، همدلی، همیاری و رشد هویت و تعلق جمعی می‌شود. عوامل مختلفی در جذب افراد به مساجد و بهره‌مندی افراد از این همه پیامدهای مثبت نقش دارند؛ که نقش والدین با توجه به تأثیر بی‌بدیل آنان در رشد و پرورش فرزندانمان مثال زدنی است. چرا که براساس نظریه‌ی سرمشق‌گیری بندورا والدین بر نگرش و اعتقادات فرزندان تأثیر می‌گذارند و اینها پشتیبان رفتارها هستند. از نظر بندورا سرمشق‌گیری یک اصطلاح کلی است و به تغییرات رفتاری، عاطفی و شناختی اطلاق می‌گردد که از طریق دیدن رفتار الگو یا الگوها حاصل می‌گردد. براساس یافته‌های پژوهش، والدین دارای رفتار مطلوب و پسندیده، سرمشق‌های مناسبی برای کودکان به‌شمار می‌روند و ممکن است کودکان از آن‌ها تقلید بکنند. والدین می‌توانند نه تنها با ایفای مناسب نقش والدگری خود فرزندان را به مسجد علاقه‌مند سازند بلکه می‌توانند به‌عنوان سرمشق از سایر ابزارهای مفید در این زمینه نیز بهره‌گیرند که برای کودکان خوشایند هستند و موجب جلب توجه آن‌ها می‌گردند؛ مانند فیلم‌ها، بازی‌ها، داستان‌ها، کاریکاتورها، تلویزیون و ... (حسن‌نیا و شمشیری، ۱۳۹۸)؛ بنابراین اگر والدین بتوانند اصول و راهکارهایی را در رفتارها و سبک‌های فرزندپروری خود به کار بگیرند که مبتنی بر باورهای راستین معنوی و جز اولویت‌های تربیتی آنان باشند؛ می‌توانند در جذب فرزندانمان به مسجد نقش اساسی ایفا کنند. عمده‌ترین تأکید مقاله حاضر بر همین راهکارها بوده است. براساس آیه ۴۴ سوره بقره ((أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ أَمْ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ)) آیا دیگران را به خیر و نیکی دعوت می‌کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده‌اید.)) در قرآن به این موضوع اشاره شده است که افرادی که می‌خواهند راه و روشی به دیگران آموزش دهند باید ابتدا خود آن عمل و فعل را انجام دهند در غیر این صورت افراد از آن‌ها الگو نخواهند گرفت. برهمین اساس والدینی که خود بر اصول دین اسلام و اعمال دینی خود پایبند نیستند یا رفتارهای متناقضی از خود بروز می‌دهند که فرزندانمان را دچار شک و تردید می‌کنند؛ نمی‌توانند انتظار داشته باشند فرزندان فردی معتقد و پایبند به اعمال دینی باشد. نقش والدین در یادگیری مشاهده‌ای فرزندان غیرقابل انکار است و چرا که والدین از اولین کسانی هستند که کودک از بدو تولد با آن‌ها ارتباط نزدیک دارد، برای بقا به آن‌ها وابسته است و بیشتر اوقات زندگی اش را با آن‌ها می‌گذراند (حسن‌نیا و شمشیری، ۱۳۹۸).

براساس پژوهش سیف و کیان ارثی (۱۳۹۰) در یادگیری مشاهده‌ای، نورون‌های آینه‌ای نقش دارند. کار اصلی این نورون‌ها ثبت اعمال و فعالیت‌هایی است که دیگران آن‌ها را انجام می‌دهند و ما آن‌ها را مشاهده می‌کنیم، نورون‌های آینه‌ای این اعمال را در خود ثبت کرده و انجام مجدد آن‌ها را در لحظه حال یا آینده دور و نزدیک ممکن می‌سازند. بنابراین والدینی که الگوی مناسبی برای فرزندان در زمینه جذب آن‌ها به مسجد می‌باشند؛ گاهی نیاز نیست همراه با عمل خود توصیه‌هایی نیز به فرزندان داشته باشند چرا که آن‌ها ناخودآگاه به واسطه ساختار مغزی‌شان تحت تأثیر این اعمال قرار می‌گیرند و استمرار در رفتار والدین است که آن‌ها را در مسیر یادگیری قرار می‌دهد.

از سویی دیگر، براساس نظریه مزلو و سلسله مراتب نیازها افراد نیاز به ایجاد روابط صمیمی با دیگران را در خود احساس می‌کنند که می‌تواند از طریق روابط صمیمی با یک دوست، همسریا یا از طریق برقراری روابط اجتماعی در گروه و تعامل با افراد حاصل شود. این نیاز که مزلو آن را نیاز تعلق‌پذیری و محبت می‌نامد در بستر محلی مانند مسجد به واسطه ارتباطات سازنده افراد در این محیط، به‌خوبی آشکار می‌گردد و سایر مواردی که به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز جذب فرزندان به مسجد ذکر شد، این نیاز را به نحو احسن ارضا می‌کنند. آدلر نیز در نظریه خود به مفهومی اشاره دارد که آن‌را ((علاقه اجتماعی)) می‌داند. براساس نظریه آدلر علاقه اجتماعی یعنی استعداد فطری همکاری کردن فرد با سایر افراد در جهت رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی. آدلر عنوان کرد که افراد سالم و کسانی که عملکرد خوبی دارند افرادی هستند که نیاز اساسی به تعلق داشتن، دارند. به‌نظر آدلر مادر اهمیت زیادی در شکل‌گیری علاقه اجتماعی دارد چرا که او اولین فردی است که با کودک ارتباط برقرار می‌کند و از این طریق به او هماری و معاشرت می‌آموزد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷). بنابراین به‌طور کلی براساس نظریه آدلر نقش والدین به‌خصوص مادر یاد دادن علاقه اجتماعی به کودک است و مسجد نیز می‌تواند به‌عنوان بستری برای عملی ساختن آن پدیده باشد.

منابع

۱. آقامحمدی، جواد؛ قاسمی، علی؛ اسدی، عزیز (۱۳۸۹). بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد. مطالعه موردی شهرستان‌های دیوان دره و سروآباد. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۳(۳۹ و ۴۰): ۷۸-۸۷.
۲. آقامحمدی، جواد (۱۳۹۲). بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان. فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، ۱(۲): ۱۰۵-۱۲۶.
۳. اسکندری نژاد (بی‌تا). نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند. طهورا (فصلنامه مطالعات زنان و خانواده)، ۱۰۷-۱۴۳.
۴. پینتریچ، پال آر (۱۳۹۰). انگیزش در تعلیم و تربیت (نظریه‌ها، تحقیقات و کاربردها). ترجمه مهرناز شهرآرای. تهران: نشر علم.

۵. تقوی، محمدرضا؛ اسدی، فاطمه (۱۳۹۷). مقایسه هوش معنوی، تجارب معنوی و جهت‌گیری مذهبی و همبستگی آنها باهم بین دانشجویان مهندسی و دانشجویان پر رفت و آمد به مسجد دانشگاه شیراز. فصلنامه قرآن و طب، ۳(۲): ۶۳-۶۸.
۶. جهانبخش، اسماعیل؛ سپیدنامه، بهروز؛ قدسی، میثم (۱۳۹۵). حضور در مسجد و ارزش‌های اسلامی در بین جوانان استان ایلام با تاکید بر شهادت‌طلبی و ایثارگری. فصلنامه فرهنگ ایلام، ۱۷(۵۲ و ۵۳): ۱۴۶-۱۶۵.
۷. حسن‌نیا، سمیه؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای بندورا در قرآن. فصلنامه رویش روانشناسی، ۸(۳): ۱۶۷-۱۷۴.
۸. حمیدیان، برات (بی‌تا). نقش مساجد در تعالی اخلاق فردی و اجتماعی. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۹. داوودی، محمد (۱۳۹۲). خانه بهشتی. تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز.
۱۰. دهقان، رحیم (۱۳۹۴). راهکارهای مانوس نمودن کودکان با مسجد در مبنای اصول بنیادین تربیتی. پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، ۹(۱۰): ۶۵-۸۴.
۱۱. سبحانی‌متین، علی؛ لطیفی، میثم (۱۳۹۸). شناسایی الزامات ایجاد ارتباط مطلوب میان مساجد و مدارس. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۳۷(۴): ۵۳-۷۸.
۱۲. سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان (۱۳۹۷). تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۳. سیف، علی اکبر؛ کیان ارثی، فرحناز (۱۳۹۰). نوروپسایکولوژی و یادگیری مشاهده‌ای. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۹(۶): ۱۱۴-۹۰.
۱۴. شریف‌فرد، علیرضا؛ رازینی، روح‌الله؛ عباسی‌نوذری، حسین (۱۳۹۹). بررسی راهبردهای کلان تعامل مسجد و کودک و نوجوان با رویکرد تحلیل اهمیت عملکرد. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۲۸(۱): ۴۷-۷۳.
۱۵. شولتز، دوان. پی، شولتز، سیدنی. ال (۱۳۹۷). نظریه‌های شخصیت. سیدمحمدی، یحیی. تهران، نشر ویرایش.
۱۶. صالحی‌نیا، مجید؛ شاهمرادی، فاطمه (۱۳۹۶). مطالعه روانشناسانه تاثیر معماری مسجد جامع اصفهان بر رفتار استفاده‌کنندگان. فصلنامه مرمت و معماری ایران، ۷(۱۳): ۱۰۷-۱۱۴.
۱۷. کریمی، احسان؛ باقری، محسن؛ عرب‌اسدی، حسین (۱۳۹۶). آرایه‌های گویایی برای خط مشی گذار فرهنگی شهر با محوریت مسجد جامع و نماز جمعه. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۵(۲): ۱۱۵-۱۳۸.
۱۸. کمبجانی، داوود؛ فریادرس، زینب (۱۳۹۴). آشنایی با ساختار تربیت دینی و راهکارهایی برای پذیرش آن در سنین کودکی. دو فصلنامه تربیتی در قرآن و حدیث، ۲: ۱-۱۸.
۱۹. مجاهد، شهناز؛ نصیریانی، خدیجه؛ هاشمیان، زهرا؛ لطفی، محمد حسن؛ اسلامی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی حضور و عوامل موثر بر شرکت دانشجویاندر نماز جماعت در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴(۳): ۳۹۲-۴۱۴.
۲۰. مهدوی کنی، محمد سعید؛ امینی‌هرندی، رضا (۱۳۹۶). توسعه فرهنگی محله‌ای پایدار مسجد محور، مورد مطالعه مسجد ثامن الایمه تهران. فصلنامه دین و ارتباطات، ۲۴(۲): ۱۹۵-۲۴۲.
۲۱. نکویی، رسول (۱۳۹۵). روش‌های کادرسازی کودکان در مسجد. فصلنامه مدیریت در اسلام، ۳۱(۳۲): ۱-۱۱.
۲۲. نیک‌نژادی، فرزانه؛ گلستانی، سیدهاشم؛ احمدی، سید احمد (۱۳۸۶). تاثیر آموزش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۱۴، ۲۳-۴۲.
۲۳. هاشمی، خدیجه؛ هاشمی، سارا (۱۳۹۷). نقش آموزشی مساجد در اعتلای علمی تمدن اسلامی. پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۱(۴): ۴۷۹-۴۹۲.
24. Pekrun, R. (2000). A social-cognitive, control-value theory of achievement emotions. In J. Heckhausen (Ed.), *Motivational psychology of human development: Developing motivation and motivating development* (pp. 143–163). [https://doi.org/10.1016/S0166-4115\(00\)80010-2](https://doi.org/10.1016/S0166-4115(00)80010-2)
25. Pekrun, R. (1992). The impact of emotions on learning and achievement: Towards a theory of cognitive/motivational mediators. *Applied Psychology: An International Review*, 41(4), 359–376. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.1992.tb00712.x>
26. Pekrun, R. (2006). The control-value theory of achievement emotions: Assumptions, corollaries, and implications for educational research and practice. *Educational psychology review*, 18(4), 315-341. <https://doi.org/10.1007/s10648-006-9029-9>
27. Pekrun, R., Elliot, A. J., & Maier, M. A. (2009). Achievement goals and achievement emotions: Testing a model of their joint relations with academic performance. *Journal of educational Psychology*, 101(1), 115. <https://doi.org/10.1037/a0013383>